

نورالدین کیانوری

تعاونی‌ها باید واقعاً مردمی باشند

پرسش و پاسخ ۹ آبان ۱۳۶۰



فهرست

- انتخاب نخست وزیر ۳
درباره احکام دادگاهها ۵
شکست ماجراجویی‌ها در رابطه با توطئه هشتم آمریکا ۸
تعاونی‌ها و مبارزه با احتکار و گرانفروشی ۱۲

www.iran-archive.com



انتشارات حزب توده ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸.

کیانوری، نورالدین

تعاونی‌ها باید واقعا مردمی باشند

چاپ اول، آبان ماه ۱۳۶۰

حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است.

انتشارات سازمان حزب توده ایران در آلمان فدرال

انتخاب نخست وزیر

س: انتخاب آقای موسوی را به نخست‌وزیری چگونه باید ارزیابی کرد و چه شد که اکثریت مجلس به آقای دکتر ولایتی رای مثبت نداد؟

ج: با توجه به سوابق کار آقای موسوی و اقداماتی که در مقام وزیر امور خارجه برای روشن کردن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام داده‌اند، نظر ما در باره ایشان طبعاً مثبت است. ما قبلاً هم نظرو موضع خود را درباره این سیاست با صراحت بیان کرده‌ایم و عقیده داریم که اگر این سیاست از سوی وزیر امور خارجه آینده بطور پیگیر دنبال شود، به تحکیم مواضع جمهوری اسلامی ایران در صحنه جهانی و بسط روشن کردن موضع ایران در قبال دوستان و دشمنان انقلاب ایران کمک خواهد کرد و در نتیجه موجب خواهد شد که ایران بتواند در صحنه سیاست جهانی از پشتیبانی بی‌دریغ دوستان واقعی انقلاب ایران، بهره‌گیری لازم به عمل آورد.

سخترانی دیروز آقای موسوی در نماز جمعه شرح مختصری بود از برنامه دولت کنونی که بویژه دو نکته جالب در آن وجود داشت. یکی این که دولت کنونی که اعضای آن بطور عمده از طرف دکتر باهنر برگزیده شده‌اند، با مختصر تغییرات ضرور به کار خود ادامه خواهد داد یعنی بطور

کلی همین دولت باقی می ماند با تغییرات کوچک ضروری. ما این را مثبت تلقی می کنیم، زیرا همانطور که سابقا هم گفته ایم، سیاست دولت شهید باهنر مورد تایید جدی ما بود و امیدواریم دولت کنونی هم بتواند آن سیاست و آن برنامه را پیاده کند.

دومین نکته ای که آقای موسوی در سخنان خود تاکید کردند، این بود که برنامه دولت ایشان هم مانند برنامه دولت شهید باهنر بر پایه دفاع از حقوق مستضعفان، دفاع از حقوق محرومان جامعه، دفاع از استقلال ملی و از آزادی استوار است. این موضع گیری دولت آقای موسوی را هم ما به فال نیک می گیریم و مثبت ارزیابی می کنیم و امیدواریم که دولت واقعا بتواند بر دشواری هایی که در مقابلش قرار دارد و به هیچ وجه کم نیست، به کمک تمام نیروهای هوادار راستین انقلاب و جمهوری اسلامی، به کمک همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی چیره بشود و روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب را تحقق بخشد. در مورد تغییرات کوچک ضروری هم امیدواریم که این تغییرات در جهت تحکیم سمت گیری اساسی ضد - امپریالیستی و مردمی دولت باهنر، در جهت پیگیری بیشتر در تحقق اصول اساسی خط امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی باشد و نقاط ضعفی را که در این چند ماه اخیر وجود داشته است، برطرف کند و دولت برای انجام وظایف تاریخی خطیری که در پیش دارد، هر چه توانا تر گردد.

بنابراین نظر ما در باره دولت جدید کاملا روشن و کاملا مثبت است. با وجود حجت الاسلام خامنه ای در مقام ریاست جمهوری و آقای موسوی به عنوان رئیس دولت و ترکیب دولت که بطور عمده از طرف شهید دکتر باهنر و شهید رجایی برگزیده شده است، ما انتظار داریم که گام های مثبتی در جهت پیشرفت انقلاب برداشته شود.

اما درباره اینکه چرا مجلس به آقای دکتر ولایتی رای نداد، ما البته از جزئیات امر خبر نداریم و با دلایل کسانی که از ایشان پشتیبانی نکردند، دقیقا آشنا نیستیم. فقط حدس می زنیم که علت اساسی این بوده است که دکتر ولایتی برای آنها شخص کاملا شناخته شده ای نبود. هم از لحاظ سمت گیری سیاسی و هم از لحاظ کارآیی و کاردانی در این لحظه فوق العاده حساس تاریخی. شاید به همین دلیل اکثریت قابل ملاحظه ای از نمایندگان مجلس تردید داشتند که دکتر ولایتی در چنین لحظه حساسی بتواند از عهده مسئولیت بزرگ خود برآید و این امر موجب شد که از دادن رای

تمایل به او و پشتیبانی از او خودداری کنند. البته ما هم صریحا باید بگوئیم که تا آنجا که از روی نوشته‌ها و سخنرانی‌های آقای دکتر ولایتی می‌توان قضاوت کرد، ایشان به عنوان یک سیاستمدار نقاط ضعف واقعا جدی دارند و ما در ایشان سیاستمداری تشخیص ندادیم که در چنین شرایط داخلی و جهانی حساسی بتواند رهبری جامعه را بعهده بگیرد و فکر می‌کنیم که تصمیم مجلس تصمیم بجا و صحیحی بوده است.

درباره احکام دادگاه‌ها

س: آیا شما در رهنمود امام خمینی، در سخنان رئیس جمهور در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری و سپس در مصاحبه مطبوعاتی آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور، در مصاحبه مطبوعاتی حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستانی کل انقلاب و نیز در آخرین خطبه‌های نماز جمعه حجت الاسلام رفسنجانی گرایشی نمی‌بینید که محاکمات و اعدام‌ها را کمی آرام‌تر و ملایم‌تر کند؟

ج: اگر ما بخواهیم روشن صحبت کنیم، به نظر ما در همه این مواردی که به آنها اشاره می‌شود که مهمترین آنها را همان رهنمود امام به رئیس جمهور در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری می‌دانیم، کوشش‌هایی به کار رفته تا جو بسیار ناراحتی را که در نتیجه احکام دادگاه‌های انقلاب در دو ماه گذشته در جامعه مابین وجود آمده است، آرام کند. این کوشش کاملاً محسوس است و ما آن راهم به فال نیک می‌گیریم و امیدوار هستیم که این ارزیابی ما دقیق باشد. در واقع همانطور که ما در اعلامیه ۱۵ شهریور کمیته مرکزی حزب توده ایران در مورد اعدام‌ها تاکید کرده‌ایم، میان احکام مجازات افراد کم‌تقصیر و افراد مسئولی که تقصیرهای زیاد دارند، اختلاف زیاد و شاید هیچ اختلافی وجود ندارد. حتی در بسیاری از موارد افراد بیگناهی که هیچ تقصیری نداشتند و ما شواهد جسدی در بیگناهی آنها داریم، به علت این شدت عمل‌ها و شتاب‌زدگی در صدور احکام اعدام، از بین می‌روند و در نتیجه جو نگرانی و ناراحتی در جامعه پدید می‌آید. ما در اعلامیه‌های خود موضع حزب را در مورد این مسائل روشن کرده و نگرانی خود را از یک چنین جو ناسالم بارها اعلام داشته‌ایم. این جو ناسالم تعداد زیادی از خانواده‌ها را که کوچکترین

هواخواهی نسبت به ماجراجویان و بمب‌گذاران ندارند، تا حد خصومت نسبت به نظام جمهوری اسلامی پیش می‌برد. ما نگرانی جدی خود را از این وضع ابراز کرده‌ایم و امیدواریم که هرچه زودتر تغییرات لازم در این زمینه بوجود آید.

البته با شکست ماجراجویی‌های شبهکارانه رهبری سازمان مجاهدین و کاهش روزافزون شرکت احمقانه و واقعا احمقانه گول‌خوردگان در این ماجراجویی‌ها که می‌توان گفت اکثریتشان واقعا قصد خیانت به میهن و انقلاب را نداشتند و فقط به علت اعتماد به رهبری سازمان خود، گول سحر و افسون آن‌ها را خوردند، واکنش‌های شدید و سریع و عجولانه هم تخفیف پیدا کند. آقای رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی هم به این مسئله اشاره کرد و گفت حالا که این جریان‌ها دارد فروکش می‌کند، امید این می‌رود که دادگاه‌های انقلابی، احکام آرام‌تر و ملایم‌تری برای مجازات شرکت‌کنندگان در این تظاهرات آشوبگرانه صادر کنند. ولی در این زمینه یک عامل دیگر را هم حتما باید در نظر گرفت و آن پیامد این احکام و اعدام‌ها در افکار عمومی مردم است. در اینجا دو نوع ارزیابی می‌شود. کسانی که این سیاست را کاملا درست می‌دانند و از آن دفاع می‌کنند، معتقدند که تنها با این سخت‌گیری بود که میشد بطور خیلی جدی و در کوتاه‌مدت علاقه این بچه‌های گول‌خورده را به این آشوب‌ها درهم شکست و آن‌ها را به خودداری از شرکت در این ماجراها واداشت. به عقیده آن‌ها این واکنش باعث شد که سازمان آشوبگران دچار از هم‌پاشیدگی شود، عدم اعتماد در آن پدید آید و افراد از رهبران خود نافرمانی کنند. آن‌ها می‌گویند که با اعدام صد نفر، جلوگیری خواهد شد از اینکه فردا مثلا هزار نفر را اعدام کنند. این یک تزا است. اما در مقابل آن نیز دیگری هم وجود دارد و کسان دیگر، و از جمله حزب ما از همان آغاز، معتقد بودند که از راه‌های دیگر، از راه‌های ملایم‌تر، بدون این اعدام‌ها و این خشونت‌های غیرقابل توجیه هم میشد به همین نتیجه‌ها رسید. مثلا از طریق جدا کردن مسئولان اصلی از گول‌خوردگان و امکان دادن به گول‌خوردگان برای اینکه اشتباه خودشان را تصحیح کنند. نه تنها کسانی که به زندان افتاده‌اند، بلکه آن‌هایی هم که در خارج زندان هستند، می‌توانستند و می‌توانند در نتیجه تاثیر رفتار سعادتی‌ها و کسان دیگری که در زندان به راه درست پی برده‌اند، از رهبری خائن و ماجراجوی خود جدا شوند و پدیده آشوبگری تضعیف بشود و یا خاتمه پیدا کند.

این هم یک نظر است و ما طرفدار این نظر بودیم. تجربه طولانی چندین دهه‌ساله انقلاب‌ها و چگونگی برخوردهای آنها با پدیده‌های آشوبگرانه‌ای نظیر آشوب‌های اخیر در ایران، نشان می‌دهد که آنها توانسته‌اند از همین راهی که ما ارائه دادیم و معتقدیم که می‌توانست کم‌دردتر و دارای نتایج مثبت‌تر باشد، بر دشواری‌های بسیار جدی چیره شوند. زندگی بازهم نشان خواهد داد که کدامیک از این نظریات درست‌تر بوده است. ما به درست‌تر بودن نظر خودمان اعتقاد راسخ داریم.

ولی آنچه که در ورای این مسئله و در رابطه با مصاحبه مطبوعاتی دادستان کل انقلاب، مصاحبه مطبوعاتی رئیس دیوان عالی کشور، می‌شود گفت، این است که نیروهای انقلابی امیدوارند، اظهارات اخیر دادستان کل انقلاب در باره نرمش بیشتر و اعمال خشونت کمتر در زندان‌ها هرچه زودتر به مرحله اجرا درآید، پیرونده‌ها با سرعت بیشتر و دقت خیلی بیشتر مورد رسیدگی قرار گیرد، چه با زندانیان و چه با خانواده‌های زندانیان ملایم‌تر برخورد شود و نیز خانواده‌ها بتوانند با زندانیان خود دیدار کنند، از زندانی شدن آنها آگاه شوند. خلاصه ما امیدواریم مسائلی که دادستان کل انقلاب مطرح کرده‌است، واقعا از وعده به عمل تبدیل شود، چون راستش این است که هنوز خانواده‌هایی هستند (و ما خانواده‌های توده‌ای خودمان را می‌توانیم مثال بیاوریم) که ماه‌هاست حتی نمی‌دانند که عزیزانشان که بیگناه هم زندانی شده‌اند در کدام زندان هستند. بسیاری از آنها حتی اول تابستان توقیف شده‌اند، ولی اکنون که زمستان سردی در پیش است مقامات مربوطه هنوز حتی اجازه نداده‌اند لباس گرم‌تر در اختیار آنها گذاشته‌شود، و هیچ اطلاعی از سرنوشت عزیزشان ندارند و به هرجایی هم که مراجعه می‌کنند جواب روشنی نمی‌گیرند و آنها را از اینجا به آنجا تحویل می‌دهند یا اصلا انکار می‌کنند که چنین شخصی در زندان باشد و حال آنکه آنها بطور مسلم توسط یکی از کمیته‌ها بازداشت شده‌اند و در زندان بسر می‌برند.

اکنون ما امیدواریم وعده‌هایی که دادستانی کل انقلاب و شخص آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه با روشنی و صراحت داده‌اند، هرچه زودتر جامه عمل بپوشد و در وضع محاکمات و برخورد به زندانیان در داخل زندان و اطلاع خانواده‌ها از سرنوشت آنان در جهت مثبت تغییرات جدی پدید شود.

شکست ماجراجویی هادر رابطه با توطئه هشتم آمریکا

س: آیا با شکست ماجراجویی های رهبران مجاهدین می توان گفت که توطئه هشتم آمریکا با شکست روبرو شده است؟

ج: مابطور خیلی روشن و کوتاه، به این پرسش باید با یک "نه" رسا پاسخ بدهیم. توطئه هشتم آمریکا همانطور که در تحلیل های پیش تشریح کرده ایم، توطئه بسیار دور و دراز و دامنه داری است برای براندازی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از راه اعمال قهر، از داخل و خارج ایران. این مشخصاتی است که مابرای توطئه هشتم قائل هستیم.

تا وقتی بنی صدر این جا بود، توطئه هشتم را می خواستند با مسخ کردن انقلاب از راه اعمال فشار عملی کنند. هدف اصلی این توطئه هم عبارت است از روی کار آوردن یک دولت میانه رو در ایران و برکنار کردن جناح حاکمیت هوادار خط امام و از این راه قبضه کردن قدرت دولتی یعنی همان سیاستی که ریگان خواستارش بود تا یک دولت میانه رو از بورژوازی لیبرال طرفدار آمریکا و غرب برای هموار کردن بقیه راه، زمام امور را بدست گیرد. بعد از این که نقشه آنها با برکناری بنی صدر عقیم ماند، آمریکا به این نتیجه رسید که برای منحرف کردن انقلاب ایران از داخل حاکمیت دیگر زمینه های باقی نمانده، زیرا جناحی که بعد از بنی صدر قدرت را در دست گرفته است، مواضع آشتی ناپذیر در قبال آمریکا دارد، پس باید رفت بطرف براندازی این حاکمیت از راه اعمال قهر. این توطئه الان با تمام قوت خودش در دستور روز است، یعنی در سیاست آمریکا نسبت به انقلاب ایران و تدارک توطئه هشتم به هیچوجه تغییری پیدا نشده است. اعمال رهبری سازمان مجاهدین خلق و همدستی آنها با بنی صدر و سایر لیبرال ها و بازار، جزئی از نقشه این توطئه برای ایجاد عدم ثبات، برای ایجاد ترلز و عدم اعتماد بود، تا بدین وسیله بتوانند توطئه را در ابعاد دیگری به آسانی پیاده کنند. توطئه علاوه بر عنصر آشوبگری، به نظر ما عناصر دیگری هم دارد که یکی از آنها عنصر نظامی است.

این عنصر نظامی که هنوز به قوت خود باقی است، دو بخش دارد. از یکسو می کوشند این عنصر را از طریق ایجاد یک گروه ضربتی در داخل ایران برای انجام کودتا بکار اندازند و از سوی دیگر مناطق آشوب جدیدی در کردستان، آذربایجان غربی و بلوچستان بوجود آورند. همه این

عناصر به قوت خود باقی است و با جدیت تمام از طرف آمریکایی‌ها و عوامل آنها دنبال می‌شود. خبرها و اطلاعات موجود هم به هیچوجه خلاف آن نشان نمی‌دهد، بلکه برعکس گواه آن است که امپریالیسم آمریکا و همدستانش در منطقه، بویژه در ترکیه و پاکستان درست در همین جهت عمل می‌کنند.

عنصر مهم دیگر این توطئه عنصر اقتصادی است. آمریکا برای جلوگیری از صدور نفت ایران که منبع عمده درآمد ارزی و رفع احتیاجات میهن ما است، انواع دسیسه‌ها را بکار می‌برد. هدف اصلی امپریالیسم آمریکا در این زمینه آن است که صدور نفت ایران را یا بکلی متوقف سازد و یا آن را به میزانی به مراتب کم‌تر از نیاز اقتصادی ما کاهش دهد. در بمباران‌هایی که ظاهراً توسط هواپیماهای عراقی انجام می‌گیرد، به احتمال قوی هواپیماهای غیرعراقی هم می‌توانند شرکت داشته باشند و شناسایی هویت واقعی این هواپیماها هم ممکن نیست. با این دسایس و انواع دسایس دیگر می‌خواهند بطور کلی صادرات و واردات کالا را از طریق بنادر جنوب فلج کنند.

بدین سان امپریالیسم آمریکا با تمام توان خود در کار توطئه هشتم است. ضمناً باید گفت که معامله هشت میلیارد و پانصد میلیون دلاری آمریکا با عربستان سعودی و فروش آواکس‌ها و سلاح‌های مدرن به این کشور که ظاهراً در جیبه اعراب قرار دارد و خود را مخالف حاکمیت اسرائیل جلوه می‌دهد و از سوی دیگر اطمینان‌دادن‌های آمریکا به اسرائیل که این معاملات به نفع شامست و خیالتان از این جهت راحت باشد، این اقدامات را نباید با توطئه هشتم آمریکا بی‌ارتباط دانست. سپس ما با تقویت نظامی عظیم مصر و سودان از سوی امپریالیسم روبرو هستیم. هم‌زمان با آن آمریکا سه میلیارد و دویست میلیون دلار از "جیب مبارکش" به پاکستان کمک "مجانی" می‌کند. پاکستان هم با این پول سلاح‌های مدرن می‌خرد و علاوه بر این، معادل صد میلیون دلار سلاح‌های ساخت شوروی را که برای جنگ با اسرائیل به مصر تحویل داده شده بود از مصر خریداری می‌کند و آنها را به شورشیان افغانی می‌دهد تا در افغانستان هم همان نقشه‌ای رایپاده کنند که می‌خواهند در ایران عملی سازند. یا دیدار کودتاچیان ترکیه را با کودتاچیان پاکستان در نظر بگیرید. خیال نمی‌کنیم که اینها دیدارهای عادی قوم و خویش‌ها با یکدیگر باشد که گویا کاری به کار دیگران ندارند و فقط می‌خواهند روابطشان را باهم بهبود دهند. چنین تصویری خیلی خام

است. به نظر ما همه این‌ها عناصری است از تدارک یک توطئه عظیم توسط امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان. در این مسئله نباید تردید داشت.

این دو انقلاب به حاکمیت امپریالیسم در این منطقه که دارای بزرگترین اهمیت اقتصادی و نظامی است ضربه‌های مهلک زده‌اند و امپریالیسم آمریکا تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا نیروهای ارتجاعی منطقه را برای درهم شکستن این دو انقلاب بکار برد. هر سیاستمداری که این واقعیت خطرناک را نادیده بگیرد و در عظمت خطر تردید کند، به نظر ما، خودش تلاش می‌کند که تمام نیروهای ارتجاعی را در منطقه تجهیز کند. برای درهم شکستن این دو انقلاب. در این هر سیاستمداری، هر دولت‌مردی که کوچک‌ترین تردیدی بکند اگر صادق و علاقمند به انقلاب باشد، ناگاهانه به ضدانقلاب و به امپریالیسم کمک کرده است. دولت‌مردان ما شب‌وروز باید این نکته را گوشزد کنند که امپریالیسم آمریکا در حال توطئه علیه ایران است. تمام نقشه‌ها و فعالیت‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه و نزدیک در آخرین تحلیل علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان متوجه است. هر عملی که آمریکا در این منطقه انجام می‌دهد، حتما در جهت خصومت با انقلاب ایران و جنبش‌های آزادی‌بخش خلق‌های این منطقه است. امام خمینی در آخرین سخنان خود در برابر مسئولان جنبش "امل" نکته آموزنده‌ای را بیان داشتند و گفتند هر چه که از طرف آمریکا و اسرائیل بیاید، ما می‌دانیم که حتما برای دشمنی با ما است و ما به دیده تردید به آن نگاه می‌کنیم، حتی اگر آنها یک برنامه خیلی خیلی "اسلامی" هم برای فلسطینی‌ها مطرح بکنند، حتما یک تقلب تویش هست، برای اینکه از طرف رهبری آمریکا، از طرف رهبری اسرائیل، دشمنان سوگند خورده آشتی ناپذیر جنبش انقلابی خلق‌های این منطقه آمده‌است.

این سخنان واقعا باید با آب طلا نوشته شود و دولت‌مردان ما هر روز صبح که از خواب بربیخیزند باید آن را جلوی چشمان بگیرند که توطئه آمریکا ادامه دارد. آمریکا تمام نیروی جهنمی خود را به کار می‌اندازد تا انقلاب ایران را با شکست روبرو کند. آمریکایی‌ها هم معمولا در حرف‌زدن آدم‌های ولنکاری هستند و یا آنقدر مغرورند که تصور می‌کنند می‌توانند هر مزخرفی را بگویند، بدون آنکه هیچ اتفاقی بیفتد. آقای هیگ در یکی از آخرین مصاحبه‌های مطبوعاتی‌اش گفته‌است که آمریکا آنچه که در توان دارد

بکار خواهندداخت بزای اینکه در ایران حکومتی در جهت ارزش‌های غزبی روی کار بیاید. حکومت در جهت "ارزش‌های غربی" هم مای دانیم که خوب خوبش چیزی است از قماش حکومت آریامهر، حکومت اسرائیل، حکومت عربستان سعودی، حکومت ضیاءالحق، حکومت ترکیه، حکومت سادات، حکومت نمیری، حکومت شاه مزاکش و شاه عمان. اینها مهم‌ترین حکومت‌های با "ارزش‌های غربی" هستند. یک خرده ملایم ترش هم عبارتست از حاکمیت‌بنی‌صدر، حاکمیت دولت‌لیبرال گام به گام آمریکا زده‌ها در ایران، حکومت قطب‌زاده‌ها، یزدی‌ها، امیرانتظام‌ها و غیره. آمریکا از این ملایم‌تر چیزی را قبول ندارد. حکومت میان‌رویش این‌ها هستند.

به این ترتیب آمریکا آنچه را که از لحاظ اقتصادی و سیاسی در توان دارد، به کار خواهندداخت. به این گفته ژرف کرافت سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید توجه کنید. گفته‌است ما دوستان بسیار مورد اعتمادی در منطقه مجاور ایران داریم که می‌توانند با پشتیبانی از ضدانقلابیون ایران، اوضاع ایران را تغییر بدهند. او در این رابطه از ترکیه، عمان و غیره نام برده که ضدانقلابیون ایران می‌توانند در آنجا برای حمله به ایزان و برهم زدن اوضاع ایران پایگاه داشته باشند. یعنی آمریکایی‌ها هدف‌های سیاسی پلیدخودشان را بدون هیچ دغدغه و هیچ‌پروا و خیلی هم مفرورنه و مبتکرانه بیان می‌کنند. ولی البته همانطور که تا بحال دیده‌ایم، آنها یک اشتباه می‌کنند. همانطور که در مورد ویتنام کردند، در مورد کوبا کردند، در مورد آنگولا و موزامبیک و بسیاری از نقاط دیگر دنیا کردند و آن این که تحولات بنیادی عظیمی را که در این کشورها روی داده، به حساب نمی‌آورند، نیروی عظیم مقاومت خلق‌ها را ناچیز می‌گیرند و به نیروی عظیم جبهه ضدامیریالیستی جهانی که از جنبش‌های انقلابی خلق‌ها پشتیبانی می‌کند، کم‌بها می‌دهند. و امیدواریم که در آینده هم همین اشتباه را تکرار کنند و به این نیروها کم‌بها بدهند. این کم‌بها دادن باعث خواهد شد که آنها در توطئه‌های ماجراجویانه خودشان با شکست‌های مفتضحانه‌ای روبرو شوند. همانطور که در ویتنام و کوبا و ایران و جنوب آفریقا روبرو شدند. ما خیال می‌کنیم که در ایران هم آنها حاصلی غیر از آنچه که تا بحال برداشته‌اند، برنخواهندداشت.

پس پاسخ این پرسش روشن شد. ما با احساس مسئولیت کامل می‌گوئیم که توطئه هشتم آمریکا، توطئه براندازی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از راه قهر، از داخل و خارج ایران با تمام شدت و قوت در جریان

است و با شکست ماجراجویی رهبران مجاهدین خلق و از هم‌پاشیدن این سازمان به‌هیچ‌وجه این توطئه یا شکست‌روبرو نشده‌است. به توطئه ضربه‌ای خورده، ولی خود توطئه از بین نرفته‌است.

تعاونی‌ها و مبارزه با احتکار و گرانفروشی

س: آیا می‌توان گفت که با مجازات‌های سختی که در هفته‌های اخیر در مورد محتکران و گرانفروشان و غارتگران به کار رفته است و از جمله در اصفهان دو تاجر آهن فروش را ۲۸ میلیون تومان جریمه کردند یا هفته‌گذشته در تهران برای یک محتکر زالوصفت جریمه ۵۰ میلیون تومانی با مصادره اموال احتکار شده و یک سال زندان و پنجاه ضربه شلاق درملاء عام معین کردند، حاکمیت بتواند غارتگری‌هایی را که الان در کشور ما حکم فرماست، لجام بزند؟

ج: البته پاسخ این سؤال را تنها با "آری" یا "نه" نمی‌شود داد. یعنی اگر بگوییم نمی‌تواند لجام بزند، ممکن است این طور تلقی شود که گویا ما معتقدیم این احکام نباید صادر شود و فایده‌ای ندارد و اگر بگوییم "آری" ممکن است به این مفهوم گرفته شود که گویا این راه راه قطعی است به این جهت ما با کمی شرح و بسط به آن پاسخ می‌دهیم.

پاسخ ما این است که این گونه مجازات‌ها البته کاملاً خوب است و از دو جهت هم خوب است: یکی این که به مردم نشان می‌دهد با چه زالوهایی سروکار دارند، دو تاجر از چند معامله آهن آن قدر سود برده‌اند که می‌توان ۲۸ میلیون تومان از شان جریمه گرفت. این نشان می‌دهد که چه غارتگری موحشی در جامعه ما حکم فرماست. مردم از چنین پدیده‌ای نتیجه می‌گیرند که امثال این آهن‌فروش‌ها یکی و دوتا نیستند، صدها هستند. یا غارتگری در تهران پیدا می‌شود که خانواده‌اش را فرستاده آمریکا و به علت اعمال خلاف قانون می‌توان ده میلیون تومان از او جریمه گرفت. چنین زالوهایی یکی و دوتا نیستند. این‌ها مدت‌هاست خانواده‌هایشان را فرستاده‌اند آمریکا و اینجا فقط مردم را مثل زالو می‌مکند و پول‌ها را دلار می‌کنند و می‌فرستند به آمریکا تا خودشان هم در لحظه معین به آنجا فرار کنند. هر ماه ده‌ها نفر از همین پول‌دارها از راه‌های مختلف، از راه پاکستان، از راه کردستان، فرار می‌کنند. مشهور است که باندهایی هستند که با گرفتن صد تا دویست هزار تومان گذرنامه تهیه می‌کنند و این‌ها را قاچاق می‌برند

به پاکستان و اردستان می‌کنند به آمریکا.

باتوجه به این فجاج ، واکنش مقامات جمهوری اسلامی درقبال این زالوها که دربخش خصوصی ما به طورعمده حاکم هستند ، و این که رژیم اکنون دیگر آن‌ها را دشمن انقلاب می‌شمارد ، بسیار روشنگرانه و مؤثر است و به افشای آن‌ها کمک می‌کند . وما به هیچ وجه مخالف نیستیم که از این تصمیمات هرچه بیشترهم گرفته شود . ولی تصور این که تنها با ایسین مجازات‌ها و با پیدا کردن بعضی از این عناصر ، حتی اگر تعدادشان به ده‌ها برسد ، می‌شود جلوی پدیدهٔ گرانفروشی ، احتکار و غارتگری و زالو صفتی سرمایه‌داران را گرفت ، به کلی اشتباه است . این مثل آن است که بخواهند بیماری سرخک یا آبله را با معالجه کردن دانه‌های جدا جدا ی آن‌ها "درمان" کنند ، یعنی حباب‌های چرکین را دانه‌دانه بگیرند و پنی سیلین روی آن بریزند تا "درمان" شود . آبلهٔ خطرناکی را که جامعهٔ ما بدان مبتلاست ، باید از طریق درمان درونی و بنیادی علاج کرد یعنی بایسد ریشه‌هایش را خشکانید ، باید برای درمان آن واکنس یا سومی را به کاربرد که در مجموع بدن بیمار اقتصاد ما مؤثر واقع شود . با "درمان" جدا جدا بیماری رفع نمی‌شود ، تا ریشه باقی است ، اگر یکی را بگیرید ، یکی دیگر به وجود می‌آید . البته اقداماتی را که برای مبارزه با احتکار و گران فروشی به صورت مجازات دانه دانه آن‌ها به کار برده می‌شود ، می‌شود ادامه داد ، منفی هم نیست ، ولی این علاج قطعی بیماری نیست . علاج بیماری این است که غارتگری زالوصفتان یعنی سرمایه‌داران وابسته از بنیاد ریشه کن شود و بخش غارتگری از جامعه برافتد یعنی تصمیمات قاطعی اتخاذ گردد که این غارتگران دیگر نتوانند به غارتگری دست بزنند . این شرایط را باید به وجود آورد و آن را فقط از طریق بیرون کشیدن جریان‌های اصلی اقتصاد از دست سرمایه‌داران غارتگر می‌توان به وجود آورد . سرمایه‌دار غارتگرست ، سرمایه‌دار هیچ وقت نمی‌تواند "خلقی" و "انسانی" باشد ، اصلش عبارت است از غارت دسترنج دیگران و یا غارت ثروت ملی . کار سرمایه‌دار همین است والا سرمایه‌دار نمی‌شود . تجارت خارجی باید ملی بشود ، تدارک و توزیع کالاهای مورد مصرف عموم باید در بخش دولتی تمرکز پیدا کند و برای تولید کوچک و مصرف وسیع مردم شرکت‌های تعاونی زیر کنترل بخش دولتی بوجود آید . این تجربه ایست که تقریباً تمام کشورهای ازبندرسته تا به حال به ده‌ها و ده‌ها نوع انجام گرفته است . و همه جا هم درستی خود را ثابت کرده است . فقط این شیوه می‌تواند مؤثر

باشد. تصور این که بخش دولتی را می‌شود محدود کرد و یا همه‌اش را تعاونی کرد - تصور این که تولید صنعتی بزرگ مثلا کارخانه ذوب آهن یا کارخانه لاستیک سازی را یا اتومبیل سازی را می‌شود تعاونی کرد، تصور نادرستی است. بعضی از اقتصاددانان خیال پرداز چنین طرح هایی را در گذشته‌های دور و نزدیک بارها به میان کشیده و همیشه باشکست دردناک روبرو شده‌اند.

بخش دولتی زمانی که دولت، دولت خلق باشد، همان بخش خلقی اقتصاد است. به این جهت تمرکز تولید در دست نماینده خلق به هیچ وجه تمرکز در دست زورمداران نیست. اگر حاکمیت بیانگر واقعی منافع توده‌های محروم جامعه باشد، هر اعمال قدرتی از طرف این حاکمیت، محتوای خلقی، محتوای مردمی دارد و از هر جهت قابل توجیه و دفاع است. اقتصاد کشور ما، فقط در صورتی می‌تواند اقتصاد مستقل، اقتصاد مردمی بشود که اصل مهم مصرح در قانون اساسی را دربارۀ سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی جدا مراعات کند. با این ویژگی که بخش دولتی و بخش تعاونی واقعی روز به روز قوت و گسترش پیدا کند و بخش خصوصی چنان کنترل بشود که در چارچوب یک بهره‌گیری ضرور وسودمند، وجودش در جامعه برای دوران معین گذار، قابل تحمل باشد. در این زمینه تنها یک راه بیشتر وجود ندارد. ما در گذشته گفته‌ایم. و حالا هم تکرار می‌کنیم که هرگونه کوشش برای ساختن الگوهای ناسنجیده در اقتصاد، می‌تواند نتایج بسیار دردناک به بار آورد. تجربه چین به اندازه کافی باید برای اقتصاددانان و اقتصادگردانان حاکمیت ما درس عبرت باشد. آن‌جا هم خواستند، قانونمندی‌های عینی و تخطی‌ناپذیر اقتصاد را زیر پا بگذارند و با تصمیمات من‌درآوردی و حتی با نیت‌های صادقانه، واپس ماندگی جامعه چین را در دوران کوتاهی از بین ببرند. نقشه‌ها خیلی طلائی بود، ولی چون نخواستند از علم بهره‌گیری کنند و از تجربه‌های اشتباه‌آمیز دیگران که نمونه‌هایش در تاریخ جهان معاصر به اندازه کافی وجود دارد، پند بگیرند زیان‌های بسیار دردناکی به خلق چین زدند. امیدواریم دولت کنونی ماکه می‌خواهد به پی‌ویزی یک اقتصاد مردمی بپردازد، با در نظر گرفتن تمام شرایط جامعه از این اشتباهات پند بگیرد و از تکرار آن‌ها که در دوران معاصر به رژیم‌های مختلف به سبب نشناختن واقعیت‌ها و قوانین عینی اقتصاد جامعه، زیان‌های جبران‌ناپذیر وارد کرده است، جدا بپرهیزد. یکی از مسائلی که ما بارها به آن پرداخته‌ایم، مسئله تعاونی‌ها است

که چون اخیراً تلاش‌هایی از طرف زالوها علیه آن‌ها به کار می‌رود، باز هم می‌خواهم به آن اشاره کنم. در ایران الان تعاونی را به سه مفهوم به کار می‌برند: یک مفهوم تعاونی خیلی مودبانه است. بخشی از سرمایه‌دارهای غارتگر، این زالوها، این گردن‌کلفت‌ها، همان‌طور که آقای زفسنجانی هم گفته‌اند، دیدند که نه، کلمه «تعاونی» چیز بدی نیست، از این کلمه می‌شود خیلی استفاده کرد. ما با بهره‌گیری از آن اقتصاد سرمایه‌داری را نه فقط تضعیف نخواهیم کرد، بلکه یک پله هم قوی‌تر خواهیم کرد، ما می‌آییم اصلاً تعاونی سرمایه‌دارها درست می‌کنیم. مثلاً کارخانه‌های کمپوت‌سازی خراسان تصمیم گرفتند شرکت تعاونی کمپوت‌سازان را درست کنند. آن‌ها با این عمل سرمایه‌داری را یک مرحله بالاتر بردند یعنی به طرف انحصار بردند. سابقاً در بازار بر سر قیمت جنس‌هایشان با هم دعوا می‌کردند و به علت رقابت مجبور بودند قیمت‌ها را کمی تعدیل کنند. اما حالا تعاونی درست کرده‌اند و قیمت یک قوطی کنسرو بادمجان را می‌گذارند پانزده تومان و کسی هم غیر از این تعاونی‌ها کنسرو بادمجان درست نمی‌کند. به این ترتیب تعاونی یک عرصه وسیع غارتگری برای سرمایه‌دارها می‌گشاید. یا این که واردکنندگان آهن که در سال ده‌ها میلیارد تومان سود می‌برند تصمیم گرفته‌اند تعاونی واردکنندگان آهن درست کنند. این امر موجب می‌شود که وزارت بازرگانی هم فقط به این «تعاونی» امتیاز بدهد، زیرا هر چه باشد، نامش شرکت «تعاونی» است، به دیگران اجازه ورود نمی‌دهد. تمام واردات آهن ایران در دست این شرکت متمرکز می‌شود و معلوم است که با این وضع قیمت آهن که همین الان هم حقه‌بازها با انتقال از یک دست به شش دست و ده دست، به قیمت‌های سرسام‌آور در بازار به مصرف کننده می‌فروشند؛ چه صورتی پیدا خواهد کرد. این از آن «تعاونی‌هایی» است که امیدواریم دولت گول آن را نخورد.

یک نوع تعاونی دیگری هم در رشته مصرف دیده شده است که سوپر مارکت‌ها و فروشندگان میوه و گردن‌کلفت‌ها و قصاب‌های گردن‌کلفت می‌خواهند آن‌ها را در دست بگیرند. این سوداگران با استفاده از این یا آن ملای روحانی‌نما فریاد می‌کشند که تعاونی‌باید «اسلامی» باشد و به این جهت مصرف‌کنندگان نباید برای انتخاب اداره کنندگان آن رای بدهند. فقط افراد معینی به نام این که ما انجمن اسلامی هستیم باید رای بدهند. نتیجه هم این خواهد شد که چهارتا قصاب و سوپرمارکت و غیره در هیئت مدیره تعاونی محل خودشان عضو باشند. در این زمینه الان بین مصرف

کنندگان واقعی در محلات و این زالوها که تاکنون به گرانفروشی و غارتگری مشغول بودند، بر سر اداره امور تعاونی‌ها مبارزه انجام می‌گیرد. و اگر در این مبارزه زالوها پیروز شوند مسئله تعاونی به مسخره تبدیل می‌شود یعنی می‌شود "تعاونی" سوپرمارکت و قصاب و دشواری‌های مردم بیش از پیش خواهد شد. قسمتی به دست سرمایه‌دارهای بزرگ و قسمتی هم به دست این‌ها که جنس را یک تومان می‌خرند و چهار تومان می‌فروشند.

این نوع "تعاونی"‌ها تعاونی واقعی نیستند. تعاونی واقعی تعاونی تولیدکنندگان مستقیم و مصرف‌کنندگان مستقیم است. یعنی تعاونی مصرف بایستی به وسیله خود مصرف‌کنندگان به وجود بیاید، تعاونی، تعاونی کسانی باشد که برنج و روغن و کالاهای دیگر را می‌خرند و مصرف می‌کنند، نه تعاونی کسانی که برنج را می‌خرند، و آن را می‌فروشند. این دومی نمی‌تواند تعاونی باشد. تعاونی باید تعاونی مصرف‌کننده مستقیم و تولیدکننده دست آخر باشد. مثلاً نجارهایی که یک دکان نجاری دارند برای این که چوبشان را تهیه کنند و یا برای آن که بتوانند فروش منظم‌تری داشته باشند، باید تعاونی نجارها درست کنند. خیاط‌ها برای آن که بتوانند پارچه دست اول از دولت بخرند، باید تعاونی داشته باشند.

اقتصاد تعاونی تنها در این صورت می‌تواند جنبه واقعی خلقی و مردمی داشته باشد. ما بارها در اظهارات خودمان و در طرح‌هایی که به مقامات دولتی تسلیم کرده‌ایم، این نکته اساسی را یادآور شده‌ایم و حالا هم به همه دوستان و هواداران توجه می‌دهیم که هر جا با تعاونی‌های قلبی روبرو می‌شوند باید علیه آن‌ها و تلاش‌های مویزانه‌شان به مبارزه جدی برخیزند. وقتی دیده شد که غارتگران - اعم از غارتگران بزرگ و متوسط - با این دوز و کلک‌ها قصد دارند به یک تیر دوشان بزنند یعنی از یک سو مردم را با ظاهر آراسته بیشتر بچاپند و از سوی دیگر اصل مهم تعاونی را در افکار عمومی مبتدل جلوه دهند، کسانی که خواستار تعاونی‌های مردمی هستند، نباید ساکت بنشینند، بلکه باید به مقامات مسئول، به مجلس و به دادستانی مراجعه کنند و جدا بخواهند که جلوی این تقلب‌ها و حقه‌بازی‌ها از جانب هرکس و به هر شکل که باشد، گرفته شود.



انتشارات حزب توده ایران

بها ۱۵۰ ریال

0.50 DM